

پیشکش ناچیز به  
فؤاد سرگین

## گزارش

### پیش سخن

متنهای کشاورزی در زبان فارسی زیاد نیست. شماره آنها تا جایی که کنجکاوی کرده‌ام - چه کتاب و رساله منفرد و چه بخش‌هایی از کتابهای چند دانشی - از دهقانی نامه ابودجانه بیهقی (شاید اواخر قرن پنجم) و رزنامه (قرن ششم) تا مفاتیح الارزاق (قرن سیزدهم) از پنجاه درنمی‌گذرد.<sup>۱</sup> تعداد متنهای بازنامه و اسپ‌نامه هر یک بیش از متون کشاورزی است.

دریغ آن است که متون گنانه درین زمینه چیز چندانی باز نمانده است، مانند کتابی که ابن فندق بیهقی (در گذشته ۵۶۵) در تاریخ بیهق آن را تألیف فقیه ابودجانه بیهقی<sup>۲</sup> (زاده شده در ده ششتمد) دانسته و از آن کتاب مهم که به فارسی بوده چنین یاد کرده است: «... و او را کتابی نفیس است در دهقانی. چنین گوید در آن کتاب که چون هوا گرم شود ستوری سرشاخ بادم بخاید، آفتاب گرم بر وی تابد هوشا<sup>۳</sup> به میان وی فرو شود بادم تلخ شود، و روا بود که بادم چون نوکشته باشند قوت در زنند در تابستان و

۱. تفصیلی راجع به این متون را در مقدمه کتاب احیاء و آثار تألیف رشیدالدین فضل الله همدانی که بازمانده از اواخر قرن هفتم هجری است آورده‌ام. در پیوست کتاب کنونی هم تلخیصی از مطالب آن آمده است. احیاء و آثار با همکاری دکتر منوچهر ستوده به چاپ رسیده (تهران، ۱۳۶۸).

۲. ابودجانه فقیه بیهقی فارسی‌نویس را نباید با ابودجانه صحابی اشتباه گرفت.

۳. احمد بهمینار در توضیح خود آن را «هوشاز» (به احتمال) دانسته است که تشنگی سخت معنی دارد.

آب دیرتر دهند بادام تلخ بود، و اگر بادام در ماه آذر نکاید<sup>۱</sup> و دیگر سال در بهار برنکنند و یا جای دیگر نبرند رنج ضایع شود و بادام بس منفعتی ندهد. و در آن کتاب گوید در حدود نیشابور نیلوفر نباید کشت چه فایده حاصل نیاید و بارها نیلوفر از بلخ به نیشابور آوردند و رنج بسیار تحمل کردند و هیچ مقصود به حاصل نیامد.

و او گوید در دو بیل کردن زمین باید که از رشی در رشی دو خروار خاک بیشتر حاصل آید، هر چند بیشتر بود بهتر بود و اگر کمتر بود رنج ضایع شود. دو رش خاک باید زیر درخت نو که نشانند و یک رش درخت در میان خاک سه رش مغاک باید تا چون درخت ضعیف بود پی او بدان انباشته می‌گذرد. چون قوی شود بدان زمین سخت پی او فرو گذرد، و اگر نه چنین بود بیخ درخت چون چوگان<sup>۲</sup> (= چوگان) برگردد و درخت سرهول<sup>۳</sup> شود، و اگر دایم آب یابد سبز بود اما قوی نگردد و بارگه نسازد.<sup>۳</sup>

این نمونه نیک گویاست از آن که فرهنگ مکتوب دهقانی و کشاورزی در زبان فارسی سابقه‌ای دراز دامن داشته است. نمونه دیگر متن ورزشنامه است که فاضل گرامی آقای حسن عاطفی بر اساس نسخه‌ای کهنه آن را شناسانیده<sup>۴</sup> و هم‌اکنون به چاپ آن پرداخته است. آن کتاب ترجمه‌ای است از متن تألیف Cassianus Bassus Scholasticus در عربی معروف به قسطوس Qustus رومی (بیزانسی) که از یونانی به پهلوی و همچنین به عربی نقل شده و ترجمه عربی آن به نام الفلاحة الرومية مشهورست و به چاپ رسیده.<sup>۵</sup> در دوره ناصرالدین شاه نه تنها چندین کتاب کشاورزی از زبان فرانسه به فارسی ترجمه شد بلکه کتاب بزرگی به نام مفاتیح الارزاق توسط یوسف نوری که از مستوفیان

۱. احمد بهمنیار بکارند احتمال داده.

۲. احمد بهمنیار آن را سربلند و سر راست معنی کرده.

۳. تاریخ بیهق تصحیح احمد بهمنیار. تهران، ۱۳۱۷ ش ۱۴۶ - ۱۴۷.

۴. مجله راهنمای کتاب. ۱۴ (۱۳۵۰): ۷۶۷ - ۷۷۰.

۵. قاهره ۱۲۹۳. محمدتقی دانش‌پژوه نخستین بار به زبان فارسی در فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه دانشگاه حقوق (تهران / ۱۳) ازین کتاب و ترجمه‌اش زیر عنوان کشاورزی نامه یاد کرده است (ص ۱۷۱ آن فهرست) و فواد سرگین به ترجمه پهلوی و فارسی اشارت دارد (۴: ۳۱۷).

شیراز بود با تصاویر زیاد تألیف شد و سرافرازم که نسخه خطی سه جلدی آن را که متعلق به مرحوم رضا هنری از دوستان ادبی مرحوم علی دشتی بود به معرفی ایشان برای کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران خریداری کردم<sup>۱</sup>.

یکی از یادگارهای ارزشمندی که از دوره ناصری درباره کشاورزی بر جای مانده بخشی است از کتاب مرآة قاسان تألیف عبدالرحیم ضرابی کلانتر کاشانی و آن نموداری است از تعلق خاطری که رجال دولتی به عرضه کردن مباحث مربوطه به کشاورزی داشته‌اند. این کتاب به نام تاریخ کاشان چاپ شد.

این موارد سیری بود کوتاه در کوششهای فارسی نویسی در زمینه کشاورزی.

### کشاورزی عبدالعلی بیرجندی

متنی که درین کتاب به چاپ می‌رسد نامی مشخص ندارد و چون در دوازده باب تنظیم شده است می‌توان به دوازده باب کشاورزی نامید. اگر چه به مناسبت نخستین عبارت مؤلف که چنین است: «... این مختصری است در معرفت بعضی امور که اهل فلاح را به کار آید»، شاید معرفت فلاح نام شایسته‌تری باشد<sup>۲</sup>.

نام مؤلف در خطبه متن نیامده است. در متن هم هیچ‌گونه اشارتی دیده نمی‌شود که به شناسایی مؤلف و زمان او کمک کند تا راه به جایی برده شود، ولی این متن در دو نسخه خطی، تألیف عبدالعلی بیرجندی - دانشمند ریاضی مشهور - (درگذشته در ۹۳۴) دانسته شده است.

۱. دوست‌گرامی دکتر هوشنگ ساعدلو آن را در سه مجلد به چاپ رسانیده است (تهران ۱۳۸۱ - ۱۳۸۴).

۲. یکی از نسخه‌های موجود در مجموعه محمود شیرانی (دانشگاه پنجاب لاهور) عنوان گلزار فلاح دارد و تحقیقاً می‌باید بر ساخته کاتب یا مالک نسخه باشد. در بیست و چند نسخه دیگر شناخته شده چنین نامی وجود ندارد. در نوشته‌های فارسی از کارل استوری (جلد ۲ بخش ۳: ۳۷۶) عنوان باغنامه هم بر اساس یکی از نسخه‌ها دیده می‌شود.

درباره مندرجات متن گلزار فلاح یکی از دانشجویان گورنمنت کالج (لاهور) موسوم به گل نواز مقاله‌ای تحصیلی «زیرنگرانی» پروفیسر محمد رفیق به اردو نوشته است که نسخه‌ای از آن به لطف دکتر معین نظامی رسید و دیده شد (بی تاریخ است ولی نباید پیش از ۱۹۹۰ نوشته شده باشد).

یک جا در نسخه شماره ۴۴۱۳ لاهور (مجموعه شیرانی) است که در انجامه‌اش نوشته شده است «تمت النسخة الشریفة فی الفلاحة لملاً عبدالعلی البرجندی لمخدومی به تاریخ نهم ربیع الاول سنه ۱۲۵۹».

جای دیگر در نسخه فخرالدین نصیری امینی است مورخ ۱۲۱۹ که فرهاد میرزای معتمدالدوله پس از تملک آن نسخه در ورق اولش نوشته است: «هو - رساله در علم فلاحت از ملاعبدالعلی بیرجندی -».

خوشبختانه در پایان نسخه چاپ سنگی (تهران، ۱۲۷۴ ق) که به خواهش سیداحمد خوانساری به انجام رسیده است این عبارت از مؤلف دیده می‌شود: «قد فرغت من تألیفه فی جمادی الاول سنة ثلث و ثمانین و ثمان مائة و انا العبد المذنب عبدالعلی بن محمد البرجندی» و به دنبال آن صورت خط شارح متن نقل شده است.

این سه اطلاع که طبعاً مبتنی بر منابعی بوده است با نوشته ملامظفر گنابادی (تألیف سال ۱۰۰۵) که شارح بیست باب تقویم تألیف ملاعبدالعلی بیرجندی بود، مستند می‌شود، زیرا گنابادی در اواخر شرح باب دهم آن متن چنین نوشته است:

«و بعضی از دهاقین و اهل فلاحت نیز در زراعت حیوانات و غرس و پیوند اشجار و قطع اغصان و اثمار ملاحظه وقت ظهور یا خفای ثابت نمایند که اعمال مذکوره را در آن وقت انساب و اولی دانند و اطباء نیز در امر و نهی فصد و مسهل و غیر هما به این امور مقید باشند.»

و از ثواب مشهوره ظهور شعرای یمانی و سهیل را بیشتر ثبت کنند چه بعضی از مردم در حال ظهور شعرای یمانی ملاحظه نمایند که قمر در کدام برج است و از آن بر حوادث آینده عالم استدلال کنند.

و بعضی دیگر اول رعدی که بعد از ظهور شعری واقع شود ملاحظه قمر نمایند و از آن بر حوادث آینده احکام نویسند و تفصیل آن در رساله‌ای که مصنف رحمه الله در علم فلاحت نوشته مذکور است.<sup>۱</sup>

۱. شرح بیست باب، ملامظفر گنابادی، چاپ سنگی تهران، ۱۲۷۶ قمری خط علیرضا بن عباس (صفحه شمار ←

نکته دیگر که می‌تواند مؤید انتساب متن به بیرجندی باشد شباهت عبارتی میان سطور نخستین باب تقویم اوست با دوازده باب کشاورزی: «اما بعد این مختصری است در معرفت صنعت اسطربلاب... مشتمل بر بیست باب...» و در دوازده باب کشاورزی هم آمده است: «اما بعد این مختصری است در معرفت بعضی امور که اهل فلاح را به کار آید مشتمل بر دوازده باب و خاتمه.»

محمد یوسف نوری مؤلف مفتاح الارزاق هم مطالب مربوط به احکام طلوع شعری و سهیل و معرفت آب و هوا را از رساله بیرجندی نقل کرده بدون آنکه متذکر منبع اساس شود. (۱: ۲۶۷ - ۲۷۲).

اینکه نوشتن مرجع او ارشاد الزراعة بوده برای آن است که نامی از این کتاب اخیر در مجلدات سه گانه نبرده و ظاهراً آن را نمی‌شناخته است. از بیرجندی هم - آن طور که در صورت چاپی کتاب دیده می‌شود - یک بار به غلط محمدعلی بیرجندی (۲: ۴۵) و یک بار شیخ عبدالغنی بیرجندی (۲: ۳۸۷) نام برده است. مواردی هم که به عنوان صاحب فلاح و صاحب الفلاحه می‌نویسد ظاهراً مربوط به همین بیرجندی است (۲: ۲۴۶، ۳۴۱، ۳۴۷، ۳۶۱، ۶۰۳).

### بیرجندی و معرفت فلاح (دوازده باب کشاورزی)

زادسال نظام‌الدین عبدالعلی بن محمد بن حسین بیرجندی معلوم نیست. ولی سال درگذشت او را ۹۳۴ ضبط کرده‌اند. او دارای هجده تألیف شناخته شده است<sup>۱</sup>.

→

ندارد). برای مباحث مربوط به تقویم زراعی در متن حاضر به صفحات ۱۸ - ۱۹ مراجعه شود. سیدحسین تقی‌زاده در کتاب گاه‌شماری در ایران قدیم (تهران، ۱۳۱۶) متوجه ذکر ملامظفر در تنبیهات المنجمین از عبدالعلی بیرجندی بوده و از چاپ طهران (صفحه ۲۷۲) این عبارت را نقل کرده است که: «محقق بیرجندی در رساله فلاح خود آورده (مقصود عبدالعلی بیرجندی است و ما نیز در شرح بیست باب ایشان به آن اشاره کرده‌ایم...) و به دنبالش موضوع ارتباط میان زراعت و طلوع شعری را نقل کرده است (ص ۲۷۴ گاه‌شماری). ۱. دیده شود «سرگذشت بیرجندی» به قلم فرید قاسملو، دانشنامه جهان اسلام، جلد پنجم (۱۳۷۹)، ص ۱۵۰ - ۱۵۳ (اینکه در آنجا شاگرد خواجه غیاث‌الدین جمشید کاشانی متولد ۸۳۲ دانسته شده درست نیست. زیرا ←

کتاب دوازده باب کشاورزی پیش از سال ۹۲۹ نگارش یافته است به مناسبت آنکه در انجامه نسخه شماره ۲۹۲۵/۱۳ مجموعه مدرسه سپهسالار چنین آمده است: «کتبت هذه النسخة من نسخة منقولة من نسخة (صفحة شمار ندارد) المصنف ره و خطه بیده و فیها تمت فی او اسط ربيع الآخر للسنة ۹۲۹»<sup>۱</sup>

درین جا مناسبت دارد که سالهای تألیف سیزده تألیف در میان هجده تألیف او را بیاورم<sup>۲</sup> بدین منظور که شاید بتوان حدود سال زاد او را حدس زد. چون تألیفات تاریخ‌دار او میان سالهای ۸۸۳ تا ۹۳۰ نوشته شده‌اند (یعنی در چهل و هفت سال پایان عمر او) بنابراین اگر از بیست و پنج سالگی به نوشتن پرداخته باشد نباید بیش از هفتاد و چند سال زندگی کرده باشد.

۸۸۳ - بیست باب در معرفت تقویم

۸۹۹ - شرح رسالة اسطرابل خواجه نصیر

۹۰۰ - بیست باب معرفت اسطرابل

۹۱۳ - شرح التذكرة النصيرية فی الهيئة

۹۲۱ - شرح تحرير المجسطی خواجه نصیر

۹۲۱ - الدر المنظیم فی خواص القرآن الکریم

۹۲۱ (بعد) - حاشیه بر شرح الملخص

۹۲۴ - شرح الفوائد البهائية

۹۲۴ - شرح شمسية

→

غیاث‌الدین در سال ۸۳۲ درگذشته نه آنکه متولد شده؛ نیز به قلم محمدعلی مولوی در دائرة المعارف بزرگ اسلامی، جلد سیزدهم (۱۳۸۳)، ص ۳۷۶ - ۳۷۷، همچنین مقدمه محسن ناجی بر ابعاد و اجرام تألیف بیرجندی (تهران ۱۳۸۱). ناجی از رساله کشاورزی بیرجندی یاد نکرده. در سال ۱۳۸۱ کنگره‌ای درباره بیرجندی در بیرجند تشکیل شد که احتمالاً مجموعه مقالات ارائه شده به آنجا به چاپ رسیده است.

۱. ص ۱۳۸ و عکس آن در چاپ حاضر دیده شود. (سنه محتمل است ۹۲۶ باشد).

۲. بر اساس ضبط در مقاله فرید قاسملو.

۹۲۷ - ترجمه تقویم البلدان

۹۲۹ - (پیش ازین) دوازده باب کشاورزی (ممکن است سال کتابت نسخه‌ای باشد به خط مؤلف نه سال تألیف متن زیرا مؤلفین ممکن است پس از آن تألیف کتابی به طول ایام نسخه‌های متعددی کتابت کنند و به این و آن اهدا کنند).

۹۲۹ - شرح زیج جدید سلطانی (شرح زیج الغیبیک)

۹۳۰ - ابعاد و اجرام

۹۳۰ - شرح آداب المناظره

ضمناً شاید بتوان گفت که مؤلف در تبویب کتاب خود به دوازده باب به کتاب ورزشنامه توجه داشته و این هم شاید قرینه‌ای باشد که آن کتاب را می‌شناخته و به طور دقیق‌تر دوستم آقای حسن عاطفی با تطبیق میان ورزشنامه و این متن مشابهات لفظی و عبارات مشترک این دو کتاب را نشان داده‌اند، و این در حالی است که بیرجندی از آن کتاب بهره برده و نامی از آن نبرده است (و برای وقوف تیتراپیوست چهارم دیده شود).

نکته دیگری که ضرورت دارد درین جا طرح شود شباهت بعضی از عبارات میان این متن (احتمالاً تألیف سال ۹۲۹، مگر چنانکه گفته شد این سنه سال کتابت نسخه‌ای باشد به خط مؤلف نه تاریخ تألیف) و ارشادالزراعه تألیف قاسم بن یوسف ابونصری هروی که در ۹۲۱ تألیف شده (طبق شعر ماده تاریخ) است. تصور می‌کنم بطور مثال آوردن یک مورد کافی است تا تطابق عبارتی مشهود افتد.

دوازده باب کشاورزی	ارشادالزراعه
و چون دیگ از دیگ پایه فرو گیرند بعد از آنکه طعام پخته باشد و در اسفل آن شراره‌های آتش بسیار بود، یا آنکه مرغ خانگی خود را بسیار می‌خارد و بانگ بسیار	چون دیگ از بالای دیگ پایه فرو گیرند بعد از آنکه طعام پخته باشند و در اسفل آن شراره‌های آتش بسیار بود، یا آنکه مرغ خانگی خود را بسیار می‌خارد و بانگ بسیار

<p>می‌کند، یا آنکه خطاف که او را فرشته‌رو گویند برگرد آب می‌گردد و بانگ بسیار می‌کند، یا آنکه درازدنبال رو به مغرب پای را تمام بر زمین نهد، یا آنکه گرگ بسیار به آبادانی درآید، یا آنکه موش از سوراخ خود چیزهایی که به ذخیره نهاده بیرون می‌اندازد این همه علامت بارندگی است خاصه در اول ماه و آخر ماه (ص ۶)</p>	<p>می‌کند، یا آنکه خطاف آن را فرشته‌رو گویند برگرد آب می‌گردد و بانگ بسیار می‌کند، یا آنکه درازدنبال رو به مغرب بایستد و یک پای را تمام بر زمین نهد، یا آنکه گرگ بسیار به آبادانی درآید، یا آنکه موش از سوراخ خود چیزهایی که به ذخیره نهاده بیرون بیندازد این همه علامت بارندگی است خاصه در اول ماه و آخر ماه (ص ۷۲)</p>
--	--

همسانی بندها و عبارات متعدد است. در بخش محافظت گندم و جو و دیگر غلات (ص ۴۱ به بعد) نیز عباراتی کاملاً همانندند. بعضی عبارات در ارشاد هست که در دوازده بابی نیست. همچنین عباراتی دیده می‌شود که درین هست و در آن نیست. بخش احکام طلوع شعری (ص ۱۸ به بعد) نیز همین حال را دارد. کما اینکه مقدمه سیم (ص ۱) که در ارشادالزراعه مندرج است.

این قول که کاتبی گفته نسخه را از روی خط بیرجندی نقل کرده است نمی‌تواند دلیلی قاطع باشد بر سال تألیف کتاب. همان‌گونه که اشاره شد بسا که این کتاب سالها قبل از ۹۲۹ تألیف شده و مؤلف درین سال نسخه‌ای از آن را نوشته بوده است. اما اگر این سال گویای زمان تألیف باشد طبعاً عبارت را بیرجندی از ارشادالزراعه بدون ذکر برداشته است و نه هروی از بیرجندی، و به هر حال رسم عجیبی نیست. ازین گونه موارد شاهد بسیار است. آنچه جای تعجب است این است که بیرجندی نامی از مآخذ خود نبرده است. همسانی‌های این دو متن با هم و همسانی اساسی‌تر آن دو با ورزنامه به من اجازه می‌دهد که بگویم ورزنامه مآخذ دو تألیف بیرجندی و هروی بوده است و این دو بزرگوار از یاد کردن نام آن مآخذ به مرسوم اغلب قدما خودداری کرده‌اند.



### نسخه‌های دیده شده

در تنظیم و اصلاح متن، پنج نسخه که کارآمدی بهتری دارد گزیده شد.<sup>۱</sup>

### نسخه اساس (س)

این نسخه از آن کتابخانه مدرسۀ مشهور میرزا حسین خان سپهسالار در تهران است به شماره ۲۹۲۵/۱۳ و جزو مجموعه‌ای است (صفحه ۲۹۳ تا ۳۳۰). سبب اینکه این نسخه اساس قرار گرفت تکیه بر نوشته کاتب آن است برین موجب: «... کتب هذه النسخة من نسخة منقولة من نسخة المصنف ره و خطه بیده و فیها تمت فی اواسط ربیع الاخر للسنه ۹۲۹. وقع الفراغ من انتساخها بالیوم الرابع والعشیرین من شهر رجب الاصل سنة الثانیة والثمانین و الف و لله الحمد والمنة». این نسخه که نقل شده از نسخه‌ای است که از نسخه خط مؤلف (در ۹۲۹) منقول بوده (چهار سال پیش از درگذشتش) طبعاً از نظر درستی و اعتبار بر نسخ دیگری که شجره کتابت آنها مشخص نیست مرجح تواند بود. نسخه به خط نسخ سال ۱۰۸۲ هجری است و اشتباهات و افتادگیهای معدود آن بعضی توسط همان کاتب و بعضی بعداً به قلم دارنده نسخه در حاشیه اصلاح شده است.

### نسخه نصیری (ن)

این همان نسخه است که به فرهاد میرزا معتمدالدوله تعلق داشته است و سپس در سال ۱۳۲۱ قمری به صدرالافاضل می‌رسد و من او را در دست نوه‌اش فخرالدین نصیری امینی دیدم که از نیایش صدرالافاضل به پدر و بعد به او رسیده بود و در ۱۳۲۱

---

۱. صفحات مراجع و فهرستهایی که این نسخه‌ها در آنها معرفی شده است در پیوست شماره ۳ آورده شده است.

قمری متعلق به صدرالافاضل بوده است.

نسخه به قطع جیبی است (هر صفحه در ۱۹ سطر) و عناوین به شنگرف و کاتب چنین رقم زده است: «سنة ۱۲۱۹ - تمت الكتاب بعون الملك الواب فی يوم الاربعاء سیم شهر ربیع الآخره من شهور سنة ۱۲۱۹ مطابق سنة سیچقان ثیل.» این نسخه در پایان مطالبی اضافی دارد که در پیوست شماره دو خواهید دید. در نسخه به خط کاتب اصلاحاتی جای داده شده است و اصلاحات دلالت دارد بر مقابله آن با نسخه‌ای که اساس کتابت بوده است. نسخه بدل‌های آن در پاورق آورده شده است.

#### نسخه لاهور (ل)

این نسخه جزو مجموعه نسخه‌های خطی محمود شیرانی (دانشمند لاهوری) بود که اینک در کتابخانه دانشگاه پنجاب نگاه‌داری می‌شود (شماره ۴۴۱۳). به نستعلیق نسبتاً خوش است و کاتبش ظاهراً از بلاد هند بوده. مجدول است در ۵۸ ورق. این نسخه توسط آقای محمدبشیر حسین (استاد فقید دانشگاه مذکور) معرفی شد و همو از راه لطف عکسی از آن را برای من فرستاد. نخستین برگ نسخه، تازه‌نویس است و چه بسا که مرحوم شیرانی خود آن را نوشته باشد. غلط درین نسخه زیاد است. در موارد ابهام و اشکال متن گاهی از ضبط‌های آن استفاده شد. موارد نقل شده تا صفحه ۲۸ می‌تواند میزانی باشد برای آگاهی بهتر خوانندگان از چگونگی نسخه. انجامه آن چنین است: «تمت النسخة الشریفة فی الفلاحة لملا عبد العلی البرجندی (کذا) لمخدومی، به تاریخ نهم ربیع الاول سنة ۱۲۵۹ هجری.»

#### نسخه تبریز (ت)

نسخه‌ای است بی تاریخ متعلق به کتابخانه ملی (مرکزی) تبریز به خط نستعلیق ناپخته

و غلط‌دار قرن سیزدهم. گاهی به ضب‌های آن مراجعه شد. هر صفحه‌اش در هفده سطر است.

### نسخه مجلس (م)

نسخه‌ای است به خط نستعلیق تحریری با انجامه کوتاهی که در آن تاریخ هفتم ذی‌الحجه سنه ۱۰۰۴ (اربع و الف) دیده می‌شود متعلق به کتابخانه مجلس (تهران) به شماره ۲۸۰۴ (۷۴۲۰۱/۵۵۶۷) و به خط نستعلیق و در مواردی شکسته. به قطع رقعی و انجامه‌اش چنین است:

«... هفتم ماه ذی‌حجه الحرام سنه اربع و الف مرقوم شد من الهجرة النبوية عليه الف صلوة و الف الف تحية.»

بر اساس نوع خط به نظر می‌آید نسخه در قرن سیزدهم از روی نسخه مورخ ۱۰۰۴ کتابت شده باشد.

هیچ یک از چهار نسخه صورت کامل و پیراستگی ندارد. اصولاً در این نوع کتابها که غالباً به دست کاتبان معمولی برای استفاده عمومی نوشته می‌شد بدخوانی، بدنویسی مرسوم است. کلماتی را به ذوق و میل محذوف می‌کرده یا به جای کلماتی که خوشایندشان نبوده کلمه دیگری را می‌نوشته‌اند.

ناچار با نقل نسخه اساس (س) و بهره‌برداری از هر چهار نسخه، متن به صورت کنونی درآمده است. تا چه قبول افتد و چه در نظر آید. غرض آن بود که از دوازده باب کشاورزی بیرجندی چاپ جدیدی در دسترس باشد.

### چاپهای پیشین

نخستین چاپ را عبدالغفار نجم‌الدوله ضمن مجموعه‌ای به نام مجموعه علوم ایرانی در زراعت و فلاح و باغبانی و غیره مشتمل بر چهار کتاب در سال ۱۳۲۳ قمری به چاپ

سنگی در تهران منتشر ساخت. مندرجات این مجموعه چنین است:

۱. آثار و اخبار که آن را تألیف شخص عالم و عامل و سیاحی در عهد غازان خان حدود هفتصد هجری دانسته (۱۱۶ صفحه). این همان آثار و احیاء، تألیف رشیدالدین فضل‌الله همدانی طبیب و وزیر مشهور است که چاپ دوم آن توسط دکتر منوچهر ستوده و ایرج افشار انتشار یافته (تهران، ۱۳۶۸).

۲. «کتاب دوم ایضاً در علم فلاحت و زراعت» (۶۲ صفحه) که همین رساله دوازده بابی بیرجندی است بدون ذکر نام او.

۳. «کتاب سیم در قواعد پیوند و اعمال آن به طریق اهل فرنگ که سنوات قبل شخص فلاح ایرانی که در فرنگستان عملیات فلاحت را آموخته تحت اللفظ ترجمه نمود.» (۳۰ صفحه)

این سه متن به نسخ نوشته شده و چاپ به طرز سنگی است.

۴. ارشاد الزراعه که ۶۴ صفحه آن به حروف سربی و بقیه از صفحه ۶۵ تا ۱۸۵ به خط نسخ و چاپ سنگی است.

□

دومین چاپ آن است که در بخارا به سال ۱۳۲۴ قمری انجام شده است و من ندیده‌ام. اطلاع مبتنی است بر نوشته فهرست نسخه‌های خطی آکادمی اوزبکستان (تاشکند) (۱: ۳۱۲) و نوشته‌های فارسی تألیف کارل استوری (ج ۲ بخش ۳: ۳۷۷) به نام فن کشت و زراعت و شادروان دانش‌پژوه نیز بر اساس همان منابع متذکر آن شده است.

□

سومین بار آقای احمدرضا یآوری زمانی که در پاریس تحصیل می‌کرد از روی نسخه‌ای که در کتابخانه ملی پاریس هست (شماره ۱۰۵۹)<sup>۱</sup> در مجموعه‌ای به همراه

---

۱. آن طور که در جایی خوانده یا شنیده بودم نسخه‌ای است که حسن تبریزی کمبریجی (مدرس فارسی در دانشگاه کمبریج) استنساخ کرده بوده. دریغ که یادداشت خود را نتوانستم بیابم تا بدان استناد شود.

یواقیت‌العلوم و آثار و احیاء رشیدالدین فضل‌الله همدانی و ارشاد‌الزراعه<sup>۱</sup> آن را استنساخ و ضمیمه مقدمه‌ای از خود کرد (در نود و دو صفحه) به نام مقدمه‌ای بر شناخت کشاورزی سنتی ایران (تهران ۱۳۵۹) و طبعاً این چاپ بر اساس یک نسخه تنظیم و چاپ شده است.

### فهرستها و فواید لغوی

برای دستیابی به آگاهیهای مندرج درین رساله کوشش کردم فهرست مفصلی از نامهای گیاهان و درختان و ابزارها و اصطلاحات کشاورزی به درآورم. از این فهرست‌ها برمی‌آید که بیرجندی در نگارش متن گاهی واژه‌های بومی یا فراموش شده مانند کالیدن، اژغون<sup>۲</sup>، غنچه، پرماه، پده، سفجه، دهست، برش، نمش. - کلماتی که در نسخه به «ة» و «ه» مختوم بوده در چاپ به صورت «ت» آمده است. - افعال معمولاً سوم شخص جمع است ولی گاهی کاتب به مفرد آورده. ناچار مواردی که ضرورت عبارت اقتضا می‌کرد اصلاح شد. - خورد (ریزه) به شکل «خرد» آورده شد.

□

برای آنکه نگاهی کلی و مختصر ولی اساسی به تاریخچه کشاورزی در دسترس خوانندگان باشد مقاله‌ای از خانم لمبتون در پیوسته‌ها آورده شد و از آقای مصطفی امیری

۱. بلوشه در فهرست آنجا (۲: ۱۵۹) آن مجموعه را محتوی سه متن دانسته ولی آقای یآوری متوجه بر آن شده است که قسمتی برگرفته از یواقیت‌العلوم (چاپ محمدتقی دانش‌پژوه، تهران ۱۳۴۵) است. بلوشه آن را نوشته نیمه قرن نوزدهم معرفی کرده ولی آقای یآوری آن را کتابت سال ۱۸۰۵ میلادی نوشته است و به جای نستعلیق بودن (که بلوشه متذکر است) اصطلاح ناسازگار «ناشکسته» را به کار گرفته. ۲. این کلمه را در لغتها نیافتیم. در فهرست ارشاد‌الزراعه هم نیست. بنابراین مصطلح بیرجندی بوده است و می‌باید نامی محلی (گوشی) باشد. به صورتهای ارعون، ازعون، در نسخه‌ها مضبوط است. مسلماً «ارغوان» نیست هم به مناسبت موضوع و هم تکرار شدن موارد. موارد ذکر شده چنین است: در لغت کلمه اژغ به معنی ستاک و سرشاخ درخت ضبط شده است (لغتنامه دهخدا) در بیرجندی ازغ آمده است و اژه‌نامه‌گوش بیرجند، دکتر جمال رضایی، تهران، ۱۳۷۳.

که آن را به شیوائی به فارسی نقل کرده‌اند تشکر می‌شود.  
چون این روزها که این مقدمه نوشته می‌شد نسخه‌ای از مقاله چاپی مربوط به کتاب  
فلاح نبطی (و اشاراتی به کتب دیگر این رشته) به دستم رسید آوردن عنوان آن را  
درین جا مناسب دیدم:

Angelo Alvares Carrara: *Geoponica and Nabataean Agriculture: A new Approach into their Sources and Authorship. Arabic Sciences and Philosophy*.  
16 (2006): 103-132.

□

به تازگی (پس از پایان‌گیری مرحله‌های چاپ) کتاب مجموعه مقالات همایش بین‌المللی  
بزرگداشت ملا عبدالعلی بیرجندی (خرداد ۱۳۸۱ در بیرجند) که به اهتمام و هزینه پزشکی  
فاضل ادب‌دوست آقای دکتر محمود رفیعی (بیرجندی) به طبع رسیده است (تهران،  
هیرمند، ۱۳۸۶) دستیاب و دیده شد که در آن اشاراتی به این تألیف بیرجندی طرداً  
للباب شده است.

این چاپ، با یاد چند متخصص فرنگ دیده کشاورزی: احسن الدوله (که در دوره  
ناصرالدین شاه به فرنگ رفت و کشاورزی تحصیل کرد و عمادالسلطنه سالور در  
خاطرات خود از او یاد کرده است و با هم در اداره محاکمات خالصه همکار بوده‌اند)،  
مصطفی قلی صمصام‌الملک بیات، ابوالقاسم ذوالریاستین، محمود فاتح و احمدحسین  
عدل که مراتب آگاهی علمی و دلسوختگیهای آنها را از پدرم شنیده بودم (ذوالریاستین را  
خود دیده بودم) و موجب تحولات فن کشاورزی در ایران شدند، به پایان می‌رسد.

ایرج افشار

سی‌ام شهر یور ۱۳۸۷